

دکتر تیبریوس راتا، عزرا - نحمیا

جلسه 10، نحمیا 9-10

تیبریوس راتا و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این آموزه دکتر تیبریوس راتا در مورد عزرا و نحمیا است. جلسه دهم، نحمیا ۹-۱۰.

لطفاً کتاب مقدس خود را باز کنید و فصل ۹ نحمیا را بخوانید. در فصل ۹، موضوع اصلی خدا و کارهایی است که او انجام داده است.

در واقع، این فصل احتمالاً یکی از طولانی‌ترین دعا‌های ثبت‌شده در کتاب مقدس است که از آیه ۱ شروع می‌شود.

در بیست و چهارمین روز این ماه، بنی اسرائیل روزه‌دار و در پلاس و با خاک بر سر گرد هم آمدند. **2** و بنی اسرائیل خود را از همه بیگانگان جدا ~~کنند~~ و ایستادند و به گناهان خود و گناهان پدرانشان اعتراف کردند. **3** و آنها در جای خود ایستادند و به مدت یک چهارم روز از کتاب شریعت خداوند، خدای خود، خواندند؛ و برای یک چهارم دیگر از آن، اعتراف کردند و خداوند، خدای خود را پرستش کردند.

و سپس در آیه ۴، گروهی از لاویان و پنج نفر را داریم. و کتاب مقدس می‌گوید، آنها گفتند: برخیزید و خداوند، خدای خود را از ازل تا ابد ستایش کنید. متبارک باد نام باشکوه تو، که از همه ستایش‌ها و ستایش‌ها والاتر است.

و سپس به زبان مستقیم تغییر می‌دهید.

«**ب** تنها خداوند هستی. تو آسمان، آسمان آسمان‌ها را با تمام لشکر آنها، زمین و هر چه بر آن است **۶** دریاها و هر چه در آنهاست، ساخته‌ای؛ و تو همه آنها را حفظ می‌کنی؛ و لشکر آسمان تو را پرستش می‌کند».

به یاد داشته باشید، هم عزرا و هم نحمیا مرد و زن اهل دعا بودند. و اکنون رهبران از آنها الگو می‌گیرند. و پس از روز جشن، روزهای روزه‌داری فرا می‌رسید.

و حالا شما مردمی را دارید که شریعت را می‌خوانند، به گناهان خود اعتراف می‌کنند، خداوند را می‌پرستند. و در این دعایی که از اینجا در فصل ۹ شروع می‌شود، دوباره همه چیز حول محور خدا می‌چرخد. این چیزی شبیه یک درس الهیات است.

خدا کیست؟ اولاً، خدا ابدی است. او از ازل تا ابد وجود دارد. او نه آغازی دارد و نه پایانی.

باز هم، این یک مفهوم جدید نیست. مردم قبلاً این را می‌دانستند. این مضمون ثابت نشان می‌دهد که خدا، خدای حقیقی و خدای خالق است.

اول تواریخ ۱۶، مزمور ۹۰، مکاشفه ۱:۸. نه تنها خدا ابدی است، بلکه هیچ خدای حقیقی دیگری جز خود خدا وجود ندارد. تو تنها خداوند هستی. تو تنها یهوه هستی.

این یک تأیید قاطع بر منحصر به فرد بودن خداست. نه تنها این، بلکه خدا خدای خالق است. شما کلمات آسمان، زمین، دریاها را دارید.

همه این سخنان مردم را به یاد پیدایش ۱ می انداخت که در مورد روایت خلقت صحبت می کند. خدا نه تنها ابدی است، بلکه تنها خدای حقیقی است. او خدای خالق است.

اما اوست که آفرینش خود را حفظ می کند. و در نتیجه، آفرینش باید خدا را پرستش کند. و این دعا... همچنان نشان می دهد که نه تنها خدا بزرگ و شایسته ستایش است، بلکه

دوباره، به آغاز. متبارک باد نام باشکوه تو که برتر از هر ستایش و سپاسی است. تو خداوند هستی

تنها تو. تو بهشت و بهشت آسمان ها را آفریده ای. نه تنها این، بلکه در ادامه، خدا اسرائیل را برگزید و از آن مراقبت کرد.

اگرچه برخی این ایده انتخاب خدا را دوست ندارند، اما آموزه گزینش همیشه در کتاب مقدس وجود دارد. و در دعاهایشان، این موضوع به آنها یادآوری می شود.

تو خداوند هستی، خدایی که ابرام را برگزیدی و او را از اور کلدانیان بیرون آوردی و نامش را ابراهیم نهادی **7**، تو قلب او را در برابر خود وفادار یافتی و با او عهد بستی که سرزمین کنعانیان، حثیان، اموریان، فرزبان **8**، یبوسیان و جرجاشیان را به فرزندانش بدهی. و تو به وعده خود وفا کردی، زیرا تو عادل هستی.

بنابراین، دوباره در دعا، آنها همچنان خدا را ستایش می کنند

در این مورد، به خاطر اینکه او کسی بود که ابراهیم را برگزید. باز هم، آموزه برگزیدگی بسیار بسیار مهم است. خدا ابراهیم را به خاطر شخصیتش انتخاب نکرد، بلکه به خاطر شخصیت خدا او را برگزید

، و او خدایی است که به وعده خود وفا کرد. و او خدایی است که می بیند، از آیه ۹ شروع می شود

و شما رنج پدران ما را در مصر دیدید و فریاد آنها را در دریای سرخ شنیدید، **۱۰** «و آیات و معجزات را» **۹** علیه فرعون و همه بندگانش و همه مردم سرزمینش انجام دادی، زیرا می دانستی که آنها با پدران ما متکبرانه رفتار می کردند. و برای خود نامی دست و پا کردی، چنانکه تا به امروز هست. **11** و تو دریا را پیش روی آنها شکافتی،

بنابراین اکنون، دعا در طول تاریخ حرکت می کند. و اکنون از ابراهیم به واقعه خروج می رسد، که دوباره مهمترین عمل خدا برای بنی اسرائیل است.

هر جا که در عهد عتیق می بینید، آنها دریا را خدا صحبت می کنند. در نهایت، آنها به خدایی اشاره می کنند که آنها را از مصر بیرون آورد. واقعه خروج بسیار بسیار مهم است.

تو رنج پدران ما را در مصر دیدی و فریادشان را در دریای سرخ شنیدی و آیات و معجزات را علیه فرعون و همه بندگانش و همه مردم سرزمینش انجام دادی. زیرا می دانستی که آنها با پدران ما متکبرانه رفتار کردند و تو تا به امروز برای خود نامی دست و پا کردی و دریا را پیش روی آنها شکافتی.

پس آنها از میان دریا در خشکی عبور کردند و تو تعقیب کنندگانشان را مانند سنگی که در آب های خروشان فرو می رود، به اعماق دریا انداختی. خدا نه تنها در خروج، که اتفاقاً یک رویداد تاریخی بزرگ است، به آنها پیروزی بخشید، بلکه خدا آنها را در بیابان هدایت کرد.

آیه ۱۲، تو آنها را در روز با ستونی از ابر و در شب با ستونی از آتش هدایت کردی تا راهی را که باید بروند. برایشان روشن کنی.

باز هم، خدا فقط خدایی نیست که آنها را فرا می‌خواند. خدا خدایی است که هر روز آنها را هدایت می‌کند.

تو بر کوه سینا فرود آمدی و از آسمان با ایشان سخن گفتی و قوانین درست و شریعت حقیقی، فرامین و ۱۳ احکام نیکو را به ایشان دادی، ۱۴ و سبت مقدس خود را به ایشان شناساندی و احکام و فرایض و شریعتی را. از جانب بندهات موسی برایشان امر فرمودی.

باز هم، این نوعی درس تاریخ است، اما به شکل دعا. و آنچه اینجا می‌بینید، تضادی است بین خدایی که وفادار است و مردمی که نیستند.

می‌گوید، از آیه ۱۵

شروع می‌شود تو برای گرسنگی‌شان از آسمان به آنها نان دادی و برای تشنگی‌شان از صخره برایشان آب ۱۵ آوردی، و به آنها گفتی که به سرزمینی که سوگند خورده بودی به آنها بدهی، وارد شوند و آن را تصرف کنند.

و ممکن است فکر کنی، خب، حالا آنچه در ادامه می‌آید این است که، و مردم اطاعت کردند

اما نه، وفاداری خدا در تضاد با بی‌وفایی مردم است. از آیه ۱۶ شروع می‌شود

» اما ایشان و پدران ما گستاخانه رفتار کردند و گردن خود را سخت نمودند و از فرامین تو اطاعت نکردند. ۱۷ آنها از اطاعت سر باز زدند و به شگفتی‌هایی که در میان‌شان انجام دادی توجه نکردند، بلکه گردن خود را ۱۷ سخت کردند و رهبری را برای بازگشت به برکتی خود در مصر تعیین کردند. اما تو خدایی بخشنده، مهربان و دلسوز، دیرخشم و سرشار از محبت پایدار هستی و آنها را رها نکردی.

بین، برخلاف خدایان دروغین ملت‌هایی که کور، کر و لال هستند، طبق مزمور ۱۱۵، یهوه خدایی است که می‌بیند.

خدا خدایی است که قوم خود را از طریق آیات و معجزات می‌شنود و نجات می‌دهد. او خدایی است که در بیابان رهبری می‌کند، از آسمان به آنها منّ و از صخره به آنها آب می‌دهد. و حتی اگر آنها اطاعت نکنند، خدا از آنها دست نمی‌کشد.

و ما داستان خروج را می‌دانیم که موسی برای قومش شفاعت می‌کند و خدا از نابودی آنها منصرف می‌شود. دعای موسی در آنجا بسیار بسیار مهم است. اما ما خدایی را می‌بینیم که همچنان به عشق و بخشش ادامه می‌دهد.

خدایی که بخشنده، مهربان، صبور و مهربان است. و آنها این را می‌بینند و تشخیص می‌دهند که در دعا، این، خدایی را که به اسرائیل اهمیت داده و آن را برگزیده است، ستایش می‌کنند. نه تنها این، بلکه خدا، دوباره در آیاتی که خواندیم، اسرائیل را رهبری کرد.

در طول روز، از میان ستونی از ابر، و در شب، در ستونی از آتش. و ممکن است بگویند، وای، این افراد حالا از خدا اطاعت می‌کنند و او را می‌پرستند. نه، در واقع این دعا به ما یادآوری می‌کند که آنها بعداً چه کردند

حتی زمانی که آنها برای خود گوساله‌ای طلایی ساخته بودند و می‌گفتند: «این خدای توست که ما را از مصر بیرون آورد و مرتکب کفرهای بزرگی شده بود.» تو و رحمت عظیمت آنها را در بیابان رها نکردی. به این فکر کن که گناه گوساله طلایی چقدر بزرگ بود.

بعد از اینکه اسرائیل و یهوه بگویند، من انجام می‌دهم، من انجام می‌دهم، ما به عهد خود وفادار خواهیم بود، بنی‌اسرائیل گوساله طلایی را ساختند و گوساله طلایی را پرستش کردند. آنها این ایده را از کجا آوردند؟ خب، آنها آن را از مصریان گرفتند.

از خدای آپیس، که خدایی به شکل گاو نر بود. و آنها گفتند، این خدایی است که شما را از مصر بیرون آورد. درست بعد از اینکه گفتند، من این کار را می‌کنم، به دنبال خدایان دیگر رفتند.

این گناه چقدر بزرگ بود؟ بعضی‌ها می‌گویند، مثل این است که شب عروسی با یک فاحشه بخوابی. تو همین الان گفتی، من این کار را می‌کنم. تو همین الان گفتی، من این کار را می‌کنم، و من به جای اینکه با همسرم بخوابم، می‌خواهم با یک فاحشه بخوابم.

این گناه به این بزرگی بود. چون اگر سفر خروج را بخوانید، درست بعد از اینکه می‌گویند، من این کار را می‌کنم، در واقع به دنبال خدایان دیگر می‌روند. با این حال، خدا از آنها ناامید نشد.

ستون ابر که آنها را در راه هدایت می‌کرد، نه در روز از آنها جدا می‌شد و نه ستون آتش که راه را برای آنها روشن می‌کرد. 20 تو روح نیکوی خود را برای تعلیم ایشان عطا فرمودی و من خود را از دهان ایشان دریغ نداشتی و برای تشنگی ایشان آب عطا فرمودی. 21 چهل سال در بیابان از آنها مراقبت کردی و به هیچ چیز محتاج نشدند. لباس‌هایشان کهنه نشد و پاهایشان ورم نکرد.

و تو به ایشان ممالک و قوم‌ها بخشیدی و هر گوشه را به ایشان قسمت دادی. پس ایشان سرزمین «22 سیحون، پادشاه حشبون، و سرزمین عوج، پادشاه باشان را به تصرف آوردند.

باز هم، تضادی بین بی‌وفایی مردم و وفاداری خدا به رهبری و تأمین نیازهای قومش.

خدا نه تنها غذا فراهم کرد، بلکه آنها را بر دشمنانشان پیروز ساخت. فصل 9 یادآوری زیبایی از کیستی خداست. اما از آنجا که خدا مهربان و بخشنده است، خدایی است که اسرائیل را نیز سرزنش می‌کند.

محبت‌آمیزترین کاری که می‌توانید برای کسی انجام دهید این است که حقیقت را به او بگویید. و این دقیقاً همان کاری است که خدا انجام می‌دهد. او آنها را سرزنش می‌کند.

شما تکثیر شدید، از آیه 22 شروع می‌شود. کتاب مقدس می‌گوید، اگرچه آنها بی‌ایمان بودند،

فرزندان آنها را مانند ستارگان آسمان زیاد کردی و آنها را به سرزمینی آوردی که به پدرانشان گفته بودی وارد 23 آن شوند و آن را تصرف کنند. 24 پس فرزندان او داخل شدند و زمین را به تصرف آوردند، و تو کنعانیان، ساکنان آن زمین را، پیش روی ایشان مغلوب ساختی و ایشان را با پادشاهانشان و قوم‌های زمین به دست ایشان تسلیم کردی تا هر طور که می‌خواهند با ایشان رفتار کنند. 25 و شهرهای مستحکم و سرزمین حاصلخیز را تصرف کردند و خانه‌های پر از چیزهای خوب، آب‌انبارهای کنده شده، تاکستان‌ها، باغ‌های زیتون و درختان میوه فراوان را به تصرف خود درآوردند. پس خوردند و سیر شدند و فربه گشتند و از احسان عظیم تو شادمان گشتند.

با این حال، ایشان نافرمانی کردند و بر تو شوریدند و شریعت تو را پشت سر انداختند و انبیای تو را « ۲۶ » . که ایشان را هشدار داده بودند تا به سوی تو بازگردند، کشتند و مرتکب کفرهای بزرگی شدند

خدا چه کرد؟ خدا آنها را مجازات کرد

بنابراین، تو ایشان را به دست دشمنانشان تسلیم کردی که ایشان را رنج دادند. و در زمان رنجشان، نزد تو **27** فریاد برآوردند و تو از آسمان دعایشان را شنیدی و بر حسب رحمت عظیم خود، نجات‌دهندگانی به ایشان دادی که ایشان را از دست دشمنانشان رهایی بخشیدند. **28** اما پس از آنکه آرام گرفتند، دوباره در حضور تو شرارت ورزیدند و تو ایشان را به دست دشمنانشان سپردی تا بر ایشان تسلط یابند. با این حال، هنگامی که رو به سوی تو آوردند و فریاد برآوردند، تو از آسمان شنیدی و بارها بر حسب رحمت خود ایشان را رهایی بخشیدی.

تمام این درس تاریخ واقعاً به کتاب داوران برمی‌گردد، جایی که آن چرخه ارتداد را دارید، جایی که مردم گناه می‌کنند، و خدا یک ظالم، یا مدیانیان یا یک ملت خارجی، گاهی اوقات فلسطینیان، را می‌فرستد، و سپس مردم چه می‌کنند؟ سپس مردم به درگاه خدا فریاد می‌زنند و توبه می‌کنند، و خدا به رحمت خود یک قاضی را برای رهایی می‌فرستد. به یاد داشته باشید، آن قضات مانند قضات امروزی ما نبودند که لباس سیاه بپوشند و بگویند گناهکار، گناهکار نیستند. نه، اینها رهبران مدنی بودند، اینها رهبران نظامی بودند، و این قضات آنها را از ظلم و ستمشان آزاد کردند

، و مردم چه می‌کنند؟ سپس به گناه خود بازمی‌گردند، و در کتاب داوران، شما این هفت دوره ارتداد را دارید و این چیزی است که این دعا به مردم یادآوری می‌کند، دوره‌های ارتداد. اما هر بار که آنها به درگاه خدا فریاد می‌زنند، خدا مهربان و بخشنده است و برمی‌گردد و آنها را آزاد می‌کند. و شما به آنها هشدار می‌دهید، از آیه شروع می‌شود، تا آنها را به شریعت خود برگردانید ۲۹

اما ایشان گستاخانه رفتار کردند و از فرامین تو اطاعت نکردند، بلکه بر ضد قوانین تو گناه ورزیدند، قوانینی که اگر کسی آنها را انجام دهد، از آنها زنده خواهد ماند. پس گردنکشی کردند و سرسختی ورزیدند و از اطاعت سر باز زدند. **30** سال‌های بسیار با ایشان مدارا کردی و به روح خود به وسیله انبیای خود ایشان را هشدار دادی، اما گوش ندادند. پس ایشان را به دست قوم‌های سرزمین‌ها تسلیم نمودی. **31** با این حال، به خاطر رحمت عظیم خود، آنها را نابود نکردی و ترک نکردی، زیرا تو خدای بخشنده و مهربانی هستی

بنابراین چرخه ارتداد ادامه یافت و به جای داوران، خدا اکنون پیامبران را می‌فرستد و می‌گوید: « ببینید، شما گناه کرده‌اید، به سوی من بازگردید، توبه کنید ». اما آنها این کار را نکردند، بنابراین خدا آنها را به تبعید فرستاد، پادشاهی شمالی آنها به آشوریان و پادشاهی جنوبی به بابلی‌ها، اما سپس آنها را به سرزمین خود بازگرداند. همه چیز به خدا مربوط می‌شود

خدایی که گناه را مجازات می‌کند، قوم خود را سرزنش می‌کند، اما در نهایت خدایی که فیض می‌بخشد. آیات در مورد همین موضوع صحبت می‌کند. با این وجود، در رحمت عظیم خود، آنها را نابود نکردی و، **31-38** رها نکردی، زیرا تو خدایی بخشنده و مهربان هستی

بنابراین چون خدا این کار را در گذشته انجام داده است، اکنون در دعا به خدا متوسل می‌شوند و می‌گویند: پروردگارا، می‌دانم که تو این کار را در گذشته انجام داده‌ای، پس در زمان حال نیز برای ما انجام بده. به همین دلیل است که آیه **32** می‌گوید

، پس اکنون، ای خدای ما، ای خدای بزرگ، توانا و مهیب، که به عهد و پیمان و محبت پایدار پایبندی» **32**

مگذار تمامی سختی‌هایی که از زمان پادشاهان آشور تا به امروز بر ما، بر پادشاهان، سروران، کاهنان، انبیا پدران و تمامی قوم تو آمده است، در نظر تو کوچک جلوه کند. « ۳۳ با این حال، تو در هر آنچه بر ما گذشته است، عادل بوده‌ای، زیرا تو با ایمان رفتار کرده‌ای و ما شرارت ورزیده‌ایم. ۳۴ پادشاهان، بزرگان، کاهنان و پدران ما شریعت تو را نگاه نداشتند و به فرمان‌ها و هشدارهای تو که به ایشان داده بودی، توجه نکردند. ۳۵ حتی در پادشاهی خودشان، و در میان نیکی‌های فراوانی که به ایشان دادی، و در سرزمین وسیع و ثروتمندی که پیش رویشان نهادی، به تو خدمت نکردند و از اعمال زشت خود روی برنگرداندند. ۳۶ اینک، ما امروز برده هستیم؛ در زمینی که به پدران ما دادی تا از میوه‌ها و هدایای نیکوی آن بهره‌مند شویم، اینک ما برده هستیم و محصول فراوان آن نصیب پادشاهانی می‌شود که به سبب گناهان ما بر ما مسلط ساخته‌ای. آنها هر ۳۷ طور که می‌خواهند بر بدن‌ها و دام‌های ما حکومت می‌کنند و ما در سختی و رنج بسیار هستیم.

به خاطر همه اینها، ما عهد محکمی را به صورت کتبی می‌بندیم؛ نام‌های سروران، لایوان و کاهنان ما « ۳۸ » بر روی سند مهر و موم شده است

بنابراین، واقعاً دعا با این ایده به پایان می‌رسد که، به خاطر همه اینها، ما آماده‌ایم که دوباره عهد ببندیم. و ما نه تنها آماده‌ایم که عهد ببندیم، بلکه آماده‌ایم که روی خط چین امضا کنیم.

ما می‌خواهیم مهر و موم کنیم و این تعهد را به صورت کتبی نشان دهیم. اما اگر به عقب برگردید، واقعاً کل فصل در مورد خداست. این خلاصه خوبی از عمل خداست، اینکه خدا کیست و چه کاری انجام داده است.

او یک خداست، نه فقط یک خدای خالق، بلکه خدایی است که با قوم خود عهد می‌بندد. او خدایی است که دعای قوم خود را می‌شنود. و برای بیرون آوردن آنها از مصر، باید آیات و معجزات زیادی انجام دهد.

اما نه تنها این، بلکه خدا به آنها قوانینی می‌دهد. کتاب مقدس می‌گوید، قوانین خوب. او آنها را رهبری می‌کند از آسمان به آنها مَثّا می‌دهد، آنها را با روح خود هدایت می‌کند، قوم خود را حمایت می‌کند، و در نهایت خدا پیروزی را عطا می‌کند.

آنها گفتند به خاطر اینکه خدا کیست و چه کارهایی انجام داده است، ما می‌خواهیم عهدی را امضا کنیم. می‌خواهیم برگردیم و وعده‌ها را بنویسیم و عهد را مهر و موم کنیم.

بنابراین فصل دهم کاملاً درباره عهد، امضاکنندگان، وعده‌ها و شروط است.

پیش از این، مهر تما از باب ۷ را به شما نشان دادم. بنابراین، روی این مهرها نام نحمیا، پسر حکلیا، زکریا و دیگران را در اینجا دارید. اما این فهرست شامل ۲۱ کاهن، ۱۷ لای و ۴۴ رهبر غیر روحانی است. همه اینها در باب ۱۰ فهرست شده‌اند.

آنها می‌خواهند با خدا عهدی ببندند. و در این وعده‌ها، آنها همچنین در این عهد، وعده‌هایی می‌دهند. و جالب اینجاست که این وعده‌ها، کاملاً جدید نیستند.

آنها این وعده‌ها را قبلاً، آیات ۲۸ و ۲۹، دادند

بقیه قوم، کاهنان، لایوان، نگهبانان دروازه، سرایندگان، خادمان معبد و همه کسانی که خود را از « ۲۸ ». مردمان سرزمین‌ها به سوی شریعت خدا جدا کرده‌اند، همسرانشان، پسرانشان، دخترانشان، همه کسانی که دانش و فهم دارند، ۲۹ به برادران و بزرگان خود بیبوندند و در لعنت و سوگندی شریک شوند که در شریعت خدا که توسط موسی بنده خدا داده شده است، سلوک کنند و تمام احکام خداوند، پروردگار ما و قوانین و

فرائض او را رعایت و اجرا نمایند.

ببینید، آنها شریعت را شنیدند و اکنون گفتند: ما می‌خواهیم از شریعت اطاعت کنیم و می‌خواهیم عهد ببندیم.

و نه تنها می‌خواهیم آن را در کلام بیان کنیم، بلکه می‌خواهیم آن را در یک سند مهر و موم کنیم. و سوگند مردم حتی با یک نفرین تقویت می‌شد. ویلیامسون، در تفسیر خود، می‌گوید که این احتمالاً پذیرش آیینی نوعی داوری بود که آنها می‌دانستند در صورت تخطی از شرایط تعهدشان، به حق بر آنها نازل خواهد شد.

آنها قول می‌دهند که چه کاری انجام دهند؟ خب، این شروط در آیات ۳۰ تا ۳۹ آمده است و دوباره به ازدواج بین قومی مربوط می‌شود. ما دختران خود را به مردمان آن سرزمین نخواهیم داد و دختران آنها را برای پسران خود نخواهیم گرفت. و اگر مردمان آن سرزمین در روز سبت کالا یا هر نوع غله‌ای بیاورند، ما در روز سبت یا در روزهای مقدس از آنها نخواهیم خرید.

ببینید، اینجا چه اتفاقی می‌افتد، این شروط به چند چیز مربوط می‌شوند. اول از همه، به ازدواج با اقوام دیگر. باز هم، این ازدواج با اقوام دیگر یک مشکل بوده است.

و حالا دوباره می‌گویید، ما عهد می‌بندیم که دخترانمان را به مردمان آن سرزمین ندهیم و دخترانمان را برای پسرانمان نگیریم. باز هم، این اولین باری نیست که به موضوع ازدواج بین قومی پرداخته می‌شود، اما این موضوع دوباره مطرح شده است. اما توجه کنید، موضوع فراتر از این است.

وقتی با خدا عهد می‌بندید، وقتی دگرگونی ظاهر می‌شود، نحوه‌ی انجام کسب و کار شما تغییر می‌کند. و این همان چیزی است که در آیه‌ی ۳۱ اتفاق می‌افتد.

اگر مردم آن سرزمین در روز سبت کالا یا غلات بیاورند، ما در روز سبت از آنها نخواهیم خرید.

این یک روز مقدس است. ببینید، وقتی تغییری رخ می‌دهد، هر جنبه‌ای از زندگی تغییر می‌کند. شخصی، کاری، و نه تنها این، بلکه آنچه به خدا می‌دهند نیز تغییر می‌کند.

و کاری که با پولشان می‌کنند تغییر می‌کند. این همان چیزی است که در آیه ۳۲ آمده است.

ما خود را موظف می‌دانیم که سالانه یک سوم، یک سوم از شِکِل را برای خدمت به خانه خدا پردازیم.

حالا، به چیز جالب اینجا هست. قانون گفته نصف شِکِل، اما اینا میگن یک سوم شِکِل. خب، این رو میشه به راحتی با توجه به سیستم پولی توضیح داد.

سیستم پولی در ایران با گذشته متفاوت بوده است. بنابراین احتمالاً مانند دلار آمریکا در مقابل یورو است. آنها یکسان نیستند.

بنابراین احتمالاً به همین دلیل است که در اینجا از نصف به یک سوم تغییر ایجاد شده است. اما آنها گفتند، ما می‌خواهیم برای خدمت خانه خدا، برای شِکِل، برای غلات، برای هر چیزی که در معبد اتفاق می‌افتد، پول بدهیم.

آیه ۳۵، آنها می‌گویند، ما خود را موظف می‌دانیم که سال به سال اولین میوه‌های زمین و اولین میوه‌های هر درخت را به خانه خداوند بیاوریم.

این چیز جدیدی نبود. این در قانون بود. اما اکنون آنها عهدی می‌بندند که برمی‌گردند و از آنچه که باید در خانه خداوند از آن مراقبت کنند، مراقبت خواهند کرد.

نه تنها این، آیه ۳۸ می‌گوید، ما ده یک را مطرح خواهیم کرد. دوباره، قانون، آنها ده یک را دوباره برقرار خواهند کرد. ببینید، وقتی عهد می‌بندید که از خدا اطاعت کنید، همه چیز در روابط، در تجارت، در کاری که با پول خود انجام می‌دهید تغییر می‌کند.

آنها گفتند، و آیه آخر کلیدی است، ما از خانه خدای خود غافل نخواهیم شد. در مورد خودتان فکر کنید با پولتان چه می‌کنید؟ آیا فکر می‌کنید در پیشگاه خدا درست است که برای تلویزیون کابلی بیشتر از آنچه به کلیسا می‌دهید، پول بدهید؟ آیا درست است که برای قبض تلفن خود بیشتر از آنچه به مبلغان می‌دهید، پول بدهید؟ نمی‌دانم.

شما باید در حضور خدا از خودتان بپرسید. من نمی‌توانم به جای شما به این سوال پاسخ دهم، و شما هم نمی‌توانید به جای من به آن پاسخ دهید. اما ما اینجا یک تعهد، یک پیمان می‌بینیم.

و آنها نه تنها می‌خواهند عهد ببندند، بلکه آن را مهر و موم و امضا خواهند کرد. و مردم می‌خواهند کار درست را انجام دهند، زیرا وقتی با کلام خدا روبرو می‌شوید، کلام خدا، همانطور که کتاب عبرانیان می‌گوید، فعال و زنده است، و تأثیرگذار. و این کاری است که او اینجا انجام می‌دهد، ایجاد برخی تغییرات کلیدی تغییراتی که در روابط، در نحوه انجام تجارت، در کاری که با آنچه خدا به آنها می‌دهد انجام می‌دهند و در کاری که با پول خود انجام می‌دهند، دیده می‌شود.

تغییر باید تغییری باشد که نه تنها در درون دیده شود، بلکه در بیرون نیز دیده شود.

این تعلیم دکتر تیبریوس راتا در مورد عزرا و نحمیا است. جلسه دهم، نحمیا ۹-۱۰.